

چکیده

آنچه که در این پایان‌نامه گردآوری شده است دیدگاه خاصی است به اخلاق حرفه ای عملی در مقام مدیریت اجرایی در حکومت علوی و زمامداری که با معیار شرع مقدس اسلام و بوسیله‌ی فرمایشات گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرد. از آنجائی که در آموزه های اصیل اسلامی که مذهب مقدس و برحقّ تشیع آن را به وجه اتمّ دارا است، بر این مطلب بسیار تأکید شده است که وجود مبارک یک امام معصوم، عین قرآن و قرآن عین است و از هرگونه خطا و لغزشی کاملاً بدور است، و همانند ذات قرآن کریم، غیرذی عوج می باشد، و نیز از آنجائی که وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام از این قاعده مستثنا نمی باشد، ما نیز مبنا را بر آن نهاده‌ایم که فرمایشات آن امام همام را میزان قرار دهیم و تمام زوایای بحث خود را حدالامکان از دیدگاه مبارک ایشان موشکافی نمائیم.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای - مدیریت اجرایی - مدیریت علوی

فهرست مطالب:

عنوان

صفحه

۶.....	کلیات.....
۷.....	تعریف مسأله و تبیین موضوع.....
۸.....	ضرورت تحقیق و هدف.....
۹.....	فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق.....
۱۰.....	پیشینه تحقیق.....
۱۱.....	جنبه جدید بودن و نوآوری طرح.....
۱۲.....	بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های کلیدی تحقیق.....
۳.....	مقدمه.....
۲۱.....	فصل اول- اصول اخلاق فردی مدیران در ارتباط با خداوند متعال.....
۱۳.....	مدیر و تقوای الهی.....
۱۶.....	مدیر و ایمان به خدا.....
۱۶.....	صفات مدیر مؤمن.....
۱۸.....	مدیر و توکل به خدا.....
۲۱.....	مدیر و اخلاص.....
۲۲.....	آثار اخلاص.....
۲۳.....	مدیر و عبودیت.....

۲۸	فصل دوم- اصول اخلاق فردي مديران در ارتباط با خود
۲۸	مدیر و اصل قناعت و ساده زیستی او
۳۰	آثار قناعت
۳۱	مدیر و اصل آزادي و آزادگي
۳۳	مدیر و مبارزه با هوای نفس
۳۵	مدیر و عدالت با خویشان
۳۸	مدیر و آینده نگري
۴۱	فصل سوم- اصول اخلاق اجتماعي مديران در ارتباط با کارگزاران
۴۲	مدیر و قاطعیت در مدیریت
۴۵	موانع قاطعیت
۴۶	مدیر و مقوله ي امر به معروف و نهي از منکر
۵۸	مدیر و پرهیز از غرور و خود پسندی
۵۱	مدیر و صفت نيك عفو و گذشت
۶۳	نتایج عفو و گذشت
۶۴	مدیر و شایسته سالاري
۶۶	مدیر و مشورت
۶۶	اهمیت مشورت
۶۷	فوائد مشورت
۶۸	با چه افرادی نباید مشورت کرد؟

۷۰	فصل چهارم- اصول اخلاق اجتماعي مديران در ارتباط با مردم.....
۷۱	احترام و تکریم.....
۷۲	مدیر و احترام به مسلمین.....
۷۳	مدیر و احترام به افکار عمومي.....
۷۵	مدیر و ارزش دادن به افکار عمومي.....
۷۷	مدیر و جلب رضایت مردم.....
۷۹	مدیر و استصلاح(نصيحت پذيري و تملق گريزي).....
۸۲	مدیر و اعتماد به مردم.....
۸۵	مدیر و احترام به استيضاح از سوي مردم.....
۸۸	مدیر و امتناع از خلف وعده.....
۸۹	مدیر و پرهیز از انحصار طلبي.....
۹۰	مدیر و شرح صدر.....
۹۳	مدیر و خوش اخلاقي.....
۹۵	مدیر و امانت داري.....
۹۸	مدیر و اصل تعهد و مسئولیت پذيري.....
۱۰۱	مدیر و عدالت.....
۱۰۱	عدالت در مدیریت.....
۱۰۲	اهمیت عدالت اجتماعي.....
۱۰۴	نمونه هاي عدالت علوي.....
۱۰۸	مدیر و فرو بردن خشم.....
۱۱۱	مدیر و مقوله ي حسن ظن و عدم داوري.....
۱۱۴	منابع و مآخذ.....

"والحمد لله رب العالمين"

کلیات:

۱- تعریف مساله و تبیین موضوع

۲- ضرورت تحقیق و هدف

۳- فرضیه ها یا پاسخ های احتمالی تحقیق

۴- پیشینه تحقیق

۵- بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه های کلیدی تحقیق

۶- جنبه جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

تعریف مسأله و تبیین موضوع :

در حکومت علوی مدیران اجرایی در چگونگی ارتباط و تعامل با خدا و خویشتن و کارگزاران و مردم باید دارای ویژگی های حرفه ای خاصی از جهت اخلاقی باشند که این ویژگی ها و مولفه ها در دوران حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام از طرف ایشان به انحاء گوناگون از طریق خطابه و موعظه از طریق نامه و دستورالعمل ها و در نوع رفتار و برخورد ها و عملکردها در نصب و عزل و در شخصیت ایشان نمایان بود. بالاخص اینکه در مسائل حکومتی تمام اقدامات امیر المومنین (ع) با مقدمات و موخرات خود در تاریخ ذکر شده است که می توان به صورت مستند به آن استدلال کرد. این پایان نامه در صدد است مولفه های اخلاق حرفه ای مدیران اجرایی حکومت علوی را در چارچوب اقدامات و دستورالعمل های امیرالمومنین علی علیه السلام بررسی و تبیین نماید.

ضرورت تحقیق و هدف:

چون جایگاه و اهمیت مدیریت و ضرورت توجه و شناخت ویژگی های مدیران در جامعه اسلامی ، بر کسی پوشیده نیست. این ضرورت در جوامع مختلف بخصوص در جوامع صنعتی به شدت احساس می شود اما مدیریت و رهبری در اسلام، افزون بر تاریخ طولانی، با آنچه در غرب مطرح است، تفاوت های زیادی دارد. این تفاوت شناخت اخلاق مدیران اجرایی در حکومت علوی را که از جمله مهمترین نیاز امروز کشور است. شیعه غیر از دوران پیامبر اکرم صلی اله علیه واله وسلم تنها در دوران امیرالمومنین علیه السلام و مدت کوتاهی نیز در زمان امام حسن علیه السلام تجربه حکومت دارد. شناخت دقیق مولفه های اخلاق کاربردی در حکومت علوی اسوه مناسب برای بهره برداری مدیران امروز ماست. آنچه بیش از پیش به آن نیازمندیم این است که چگونه در رفتار اجتماعی سیاسی اقتصادی مدیریتی اجرائی عمل کنیم که هم در ادعای پیروی از علی علیه السلام صداقت خویش را نشان دهیم و هم به درخواست عموم مردم پاسخ مثبت دهیم.

فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق:

ما برای طی این طریق وقتی به انتخاب مسئولین در حکومت علوی امیر المومنین (ع)

توجه کردیم در نگاه اول آن چه که مشهود بود :

۱- مدیران اجرایی در حکومت علوی ویژگی‌ها و امتیازاتی دارند و آن مولفه‌ها از شرایط نصب و فقدان آنها عامل عزل بوده است. صلاحیت مدیران اجرایی در حکومت علوی بسته به وجود این ویژگی‌ها بوده و بقای صلاحیت آنان نیز در گرو بقای همان ویژگی‌ها و رفتار خاص بوده است. ۲- از نظر امام علی علیه السلام مدیران اجرایی در حکومت علوی باید ویژگی‌های اخلاقی شهامت- قاطعیت- تواضع و انتقادپذیری احترام به افکار دیگران مردمی بودن دلسوزی نسبت به عامه مردم را سرلوحه مدیریت خود قرار دهد.

پیشینه تحقیق (کارهایی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است):

در این مقاله به صدق و کذب این فرضیه می پردازیم. الحمدلله منابع زیادی هم وجود دارد چون بحث مدیریت در اسلام بر خلاف غرب از زمان های بسیار قدیم یعنی از صدر اسلام مطرح بود به همین جهت در طول تاریخ اسلام کتاب ها و مطالب فراوانی تدوین و نشر یافته است که در حقیقت بیانگر اخلاق در مدیریت اجرایی (سیاسی) و سیاست اخلاقی بوده که اخلاق مدیران ارشد سیاسی را به بحث گذاشته اند و در عصر حاضر نیز کتب مختلفی در این باب یافت می شود دراین پایان نامه کوشش شده است این ویژگی هادرخصوص اخلاق حرفه ای مدیران علوی دریک جا استخراج و تدوین و ارائه گردد.

جنبه جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

متأسفانه در کشورمان به خاطر سیستماتیک نبودن پژوهش و سلیقه ای بودن آن به صورت سلسله وار پیش نرفته است. به عبارت دیگر تبیین مساله واهکار آن برای همه مفید نبوده است در این تحقیق نو آوری که وجود دارد :

- ۱-ارائه حدود و چارچوب های اخلاق حرفه ای مدیران ارشد اجرایی از کلام امیرالمومنین علیه السلام و تطبیق آن با عصر حاضر در نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- عملیاتی و کاربردی نمودن مولفه های مدیران اجرایی حکومت علوی.

بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های کلیدی تحقیق:

اخلاق حرفه ای: مجموعه ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروهها را تعیین می کند در حقیقت، اخلاق حرفه ای، یک فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان چه ارزش هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه نمود (اخلاق حرفه ای فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲).

مدیریت اجرائی: فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد

مدیریت علوی: شیوه به کار گیری منابع انسانی و امکانات مادی، بر گرفته از آموزه های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است (اسلام چگونه کسترش یافت - دکتر رضا دهقانی)

مقدمه:

واژه های خُلق و خَلق در اکثر کتب لغت از یک ریشه شمرده شده‌اند و گفته شده که خُلق زیبا به معنای بهره‌مندی از سرشته‌های زیبا و پسندیده می‌باشد و خَلق زیبا به معنای داشتن آفرینش و ظاهر و اندامی زیبا و موزون است.

در باره ی واژه‌ی اخلاق فرموده‌اند که از ریشه‌ی خلق می‌باشد به معنای سرشت و این عمومیت دارد در اخلاق نیک و زشت مانند راستگوئی و دروغگوئی و امثال ذلک.

به هر حال از آنجائی که پایان نامه حاضر در باره‌ی بیان موارد اخلاقی یک مدیر می‌باشد، لاجرم توضیحاتی چند درباره‌ی اخلاق و برخی حواشی آن بیان می‌داریم

علماء و دانشمندان علم اخلاق از این واژه معانی زیادی بیان نموده‌اند که رایج ترین آنها عبارت است از: «صفات و ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شود کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسانی صادر گردد.»

از باب مثال، ابوعلی ابن مسکویه در تعریف اخلاق می گوید:

«اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سوی انجام کاری سوق می دهد.»^۱ البته باید این را ذکر کرد که علم اخلاق، از دیدگاه تمامی ادیان و فرق مورد بررسی قرار گرفته است و تقریباً تمامی مکاتب دینی و فکری، فلسفی در این باره نظرات خود را اعلام داشته‌اند و فقط مختص به دین مبین اسلام و مذهب تشیع ندارد.

اما با توجه به تمامی تعریفی که شده است می توان این را بیان نمود که جامعترین تعاریف، این است که گفته شود که علم اخلاق، همان اخلاق عملی می‌باشد که با شناسائی خوبی ها و بدی ها، ما را از ارتکاب به اعمال ناهنجار باز می دارد.

پس باید گفت که علم اخلاق، از دو بخش شناخت و عمل تشکیل شده است و صرفاً یک بحث عقلی و ذهنی محض نمی‌باشد. بلکه یک هدف غائی و خارجی دارد و آن همان آموزش شیوه های رفتاریست.

در باره‌ی علم اخلاق پژوهش ها و بررسی‌های گوناگونی انجام شده است که از باب نمونه مواردی را ذکر می‌نمائیم:

اگر چه ممکن است که عده ای این ادعای ما را مورد مناقشه و نقد و بررسی قرار دهند و بگویند که کلام و فعل و سنت ایشان که یک انسان است نمی تواند معیار و میزان برای سنجش اعمال و افعال باشد و ما در جواب این ایراد تنها یک آیه از قرآن کریم بیان می‌داریم که فرمود «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» و با توجه به

^۱. تهذیب الاخلاق ابن مسکویه رازی ، ص ۵۱

مقدمه‌ی مختصری که در باره‌ی حقانیت و عصمت امام معصوم بیان شده به مراتب، ضمیر میسّه را می‌توان به امام معصوم نیز اطلاق داد زیرا که قبلاً بیان گردید که امام معصوم عین قرآن و قرآن عین می باشد. البته باید این را ذکر کرد که علم اخلاق، از دیدگاه تمامی ادیان و فرق مورد بررسی قرار گرفته است و تقریباً تمامی مکاتب دینی و فلسفی در این باره نظرات خود را اعلام داشته‌اند و فقط مختص به دین مبین اسلام و مذهب تشیع ندارد.

اما با توجه به تمامی تعریفی که شده است می‌توان این را بیان نمود که جامعترین تعاریف، این است که گفته شود که علم اخلاق، همان اخلاق عملی می‌باشد که با شناسائی خوبی‌ها و بدی‌ها، ما را از ارتکاب به اعمال ناهنجار باز می‌دارد.

پس باید گفت که علم اخلاق، از دو بخش شناخت و عمل تشکیل شده است و صرفاً یک بحث عقلی و ذهنی محض نمی‌باشد. بلکه یک هدف غائی و خارجی دارد و آن همان آموزش شیوه‌های رفتاری است.

در باره‌ی علم اخلاق پژوهش‌ها و بررسی‌های گوناگونی انجام شده است که از باب نمونه مواردی را ذکر می‌نمائیم:

در موضوع اخلاق و فلسفه‌ی آن، در طول تاریخ، مکاتب و دیدگاه‌های بسیار متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب پدید آمده است. بسیاری از فیلسوفان از روزگار یونان باستان تا عصر حاضر، همواره کوشیده و می‌کوشند تا متناسب با مبانی فکری و فلسفی خود، نظامی اخلاقی ارائه دهند.

این مکاتب و نظام‌های اخلاقی از سوی نویسندگان مختلف، به گونه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه‌ی این مقدمه خواهد آمد *إن شاء الله تعالی*.

۱- دسته‌بندی تاریخی:

برخی از نویسندگان در بررسی مکاتب اخلاقی، توالی و تعاقب تاریخی را مود توجه قرار داده‌اند. به این صورت که معمولاً از نظریات اخلاقی سقراط شروع نموده و سپس به ترتیب، به بررسی نظریات افلاطون و ارسطو و سایر شاگردان و پیروان سقراط پرداخته‌اند و به همین ترتیب، پس از بیان نظریات و مکاتب اخلاقی یونان باستان، به بررسی اخلاق مسیحی و اندیشمندان بزرگ قرون وسطی مبادرت می‌ورزند و در نهایت، به بررسی نظریات اخلاقی دوران جدید می‌رسند.

به عنوان مثال، می‌توان به کتاب تاریخچه‌ی فلسفه‌ی اخلاق که اثر السدر مک اینتایر، که یکی از فیلسوفان اخلاقی معاصر است، اشاره نمود. وی در این کتاب به بررسی سیر تحول نظریات اخلاقی از روزگار یونان باستان، سوفسطائیان و سقراط، تا زمان حاضر و مکاتب اخلاقی در قرن بیستم پرداخته است.^۱

۲- دسته بندی بر اساس نظریات اخلاق هنجاری:

این مبحث خودبه سه دسته‌ی زیر تقسیم می‌شود:

۱- پژوهش های توصیفی:

این نوع از پژوهش همانطور که از نامش پیداست با کمک روش نقلی و تجربی به توصیف گزارش اخلاقیات افراد، گروه ها و جوامع مختلفه می‌پردازد و هدف آن، صرفاً آشنائی با نوع رفتار و اخلاق فرد و یا جامعه‌ی خاصی می‌باشد.

در این نوع پژوهش، از هرگونه ارزیابی و داوری پرهیز شده است و از هرگونه درستی یا نادرستی احکام و معیار های اخلاقی بحثی به میان نیامده است.

۲- پژوهش های فرا اخلاقی:

در این نوع پژوهش، با روش عقلی و فلسفی، به تحلیل و تبیین مفاهیم اخلاقی و احکام آن، از جهت معنا شناختی، وجود شناختی و معرفت شناختی، پرداخته می‌شود و نظریات مختلف اخلاقی در حوزه های یاد شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- پژوهش های هنجاری:

در این نوع پژوهش اخلاقی، در حقیقت به دنبال معیاری برای تعیین حسن و قبح افعال اختیاری انسان می‌باشیم. یعنی می‌خواهیم بدانیم که چه کارهایی را می‌توان متصف به حسن و قبح کرد. هدف اینگونه پژوهش‌های اخلاقی، در واقع، راهنمایی کردن افراد است در تصمیم گیری‌ها و امکان مربوط به افعال اختیاری ایشان در مواقع خاص.

۱. تاریخچه فلسفه اخلاق / نویسنده السدر مک اینتایر ترجمه انشاءالله رحمتی

توضیح این که ما در هر موقعیتی با این پرسش مواجه هستیم که انجام چه کاری برای ما از لحاظ اخلاقی درست است و نیز این که در هنگام تعارضات اخلاقی، چه باید کرد؟ و پاسخ این بر عهده‌ی اخلاق هنجاری می‌باشد.

نظریات اخلاقی را با توجه به معیاری که برای تعیین خوب و بد و تشخیص درست و نادرست ارائه داده‌اند به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند که بیان می‌شود:

الف- نظریات غایت‌گرایانه:

بر اساس این نظریه، ملاک درستی و نادرستی و بایستگی و نبایستگی یک رفتار، همان ارزش‌های بیرونی و خارج از حوزه اخلاق می‌باشد که بوجود می‌آورد. بنا براین، یک عمل، تنها در صورتی صواب است که دست کم به اندازه‌ی هر بدیل ممکن دیگری، موجب غلبه‌ی خیر بر شر گردد و یا آن که مقصود، ایجاد غلبه‌ی خیر بر شر باشد و تنها در صورتی خطاست که نه موجب غلبه‌ی خیر بر شر شود و نه مقصود از آن، ایجاد چنین غلبه‌ای باشد.

به تعبیر دیگر، غایت‌گرایان برای تشخیص صواب از خطا و درست و نادرست، نتیجه‌ی حاصل از کار اختیاری را مورد لحاظ قرار می‌دهند. به این صورت اگر کاری ما را به نتیجه‌ی مطلوب برساند و یا دست کم در خدمت وصول به نتیجه و غایات مطلوب باشد، خوب است و در غیر این صورت، بد است.

البته غایت‌گرایان در باره‌ی این که غایت مطلوب از فعل اخلاق چیست، و هدف از کار اخلاقی وصول به کدام نقطه است دیدگاه‌های مختلفی دارند. برخی از آنان، لذت را بعنوان غایت فعل اخلاقی معرفی کرده‌اند و برخی دیگر، قدرت را و گروهی نیز کمال را بعنوان غایت الغایات فعل اخلاقی برشمرده‌اند و به همین ترتیب، دیدگاه‌های دیگری نیز طرح گردیده است که از بیان آنها در این مختصر خودداری می‌کنیم.

ب- نظریات وظیفه‌گرایانه:

این نظریات، به نظریاتی گفته می‌شود که معیار غیر اخلاقی و معیار حسن و قبح، افعال اختیاری انسان را در هماهنگی و عدم آن، با وظیفه جستجو می‌کنند.

نظریات وظیفه گرا نیز در یک تقسیم به دو دسته ی وظیفه گرائی عمل نگر و قاعده نگر تقسیم می شوند. دسته ی اول به دنبال این هستند که وظیفه ی اخلاقی ما را برای هر مورد جزئی و خاص، مشخص کنند.

در مقابل وظیفه گرایان قاعده نگر، بر این باورند که ما قواعدی را برای تشخیص صواب و خطا در اختیار داریم. نظریه ی امر الهی یا نظریه ی قائلان به حسن و قبح شرعی و نظریه ی اخلاقی کانت از جمله مشهورترین نظریات وظیفه گرای قاعده نگر به حساب می آیند.

به هر حال مکاتب اخلاقی مختلف را می توان بر اساس نظریات اخلاق هنجاری نیز دسته بندی کرد ولی روشن است که در این نوع دسته بندی نیز بسیاری از مطالبی که برای ما از اهمیت زیادی برخوردارند، نادیده گرفته خواهند شد. مطالبی چون واقعی یا غیر واقعی بودن احکام، و گزاره های اخلاقی، نسبی یا مطلق بودن احکام اخلاقی.

البته لازم به ذکر است که این مباحث بیان شده دارای دامنه های زیاد و طولی می باشند که در منابع مربوط به خود، کاملاً موشکافانه بررسی شده اند و مورد نقد و کنکاش قرار گرفته اند بیانشان در این مقدمه میسر نمی باشد.^۱

و اما در ادامه مباحثی جهت آشنائی با مدیریت، ارائه می گردد:

بحث در باره ی مدیریت، از دیرباز مورد توجه بوده است، زیرا از روزی که بشر به عرصه ی دنیا قدم نهاد و با خانواده و قوم و قبیله، زندگی اجتماعی را آغاز کرد، اندیشه ی مدیریت و سرپرستی همان مجموعه ی کوچک را در ذهن خود پروراند. در جهان امروز نیز که علوم و تکنولوژی و دانش، پیشرفت نموده و سازمانهای بزرگ صنعتی و تولیدی بوجود آمده است، مهمترین مسئله، چگونگی اداره ی مجموعه های عظیم انسانی است. امروزه از یکسو جهان، هرروز به سمت بی عدالتی اداری پیش می رود و از جهتی دیگر، مدیریت، به فنی پیچیده و تکنیکی تبدیل گشته است. لذا لازم می باشد که با فقه پویای اسلامی و با استفاده از کتاب و سنت و امثال ذلک، مدیریت سالم و نظام مند اسلامی ارائه شود، زیرا اسلام در هیچ موردی بشر را مهمل و انگذاشته است.

مدیریت تنها منحصر به اداره ی زندگی مادی نمی باشد بلکه در امور معنوی نیز جایگاه ویژه ای دارد و خداوند سبحان مدیرانی چون انبیاء را برای هدایت مردم فرستاد و ایشان با این که بیشتر داعیه ی معنوی

۱. نقد و بررسی مکاتب اخلاقی-آیة الله محمدتقی مصباح یزدی، صص ۲۲-۲۷

داشتند در حد قابل توجهی در مدیریت اجتماع نیز موفق بوده‌اند و جوامع خود را بسوی رشد و کمال و پویایی سوق می‌دادند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضرورت مدیریت می‌فرماید:

«مردم از امیر حاکم، ناگزیرند چه خوب باشد چه بد.»^۱

همچنین می‌فرماید:

«والی ظالم و غاصب، بهتر است از فتنه و آشوبی که تداوم یابد.»^۲

امام رضا علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«ندیدیم که گروهی از مردم و ملتی از ملتها زندگی با دوام داشته باشند مگر این که سرپرست و قیم داشته‌اند، زیرا در امر دین و دنیا، چاره‌ای جز وجود سرپرست و پیشوا نیست.»^۳

قرآن کریم می‌فرماید:

«ای پیامبر، آنچه از جانب خدای تو (در باره‌ی معرفی علی علیه السلام) بر تو ابلاغ گردید ابلاغ کن، اگر این کار انجام نگیرد، رسالت خویش را انجام نداده‌ای. دلهره نداشته باش که خداوند تو را از شر مردم بدخواه حفظ خواهد نمود.»^۴

در این آیه چند نکته‌ی مهم مدیریتی وجود دارد:

۱- عنایت مخصوص خداوند به امامت و مدیریت در جامعه.

۲- امامت و سرپرستی و مدیریت در جامعه بعد از نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- به اندازه‌ی اهمیت دارد که اگر در جامعه وجود نداشته باشد، ۲۳ سال زحمت ایشان به هدر خواهد رفت.

۳- هیچ مشکلی نمی‌تواند که مانع معرفی امامت گردد.

تعریف مدیریت:

برخی مدیریت را چنین تعریف نموده‌اند که: مدیریت، علم و هنر هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی برای نیل به اهداف مطلوب، با حداکثر کارایی.

شهید مطهری در تعریف مدیریت می‌فرماید:

«مدیریت انسانها و رهبری آنها عبارتست از فن بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهترسازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و بکار بردن آنها می‌باشد.»^۵

مدیریت از دیدگاه اسلام:

مدیریت اسلامی را چنین تعریف کرده‌اند:

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی خطبه ۴۰

۲. مصطفی درایتی، تصنیف غررالحکم، ص ۴۶۴

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲.

۴. مائده ۶۷

۵. امامت و رهبری، شهید مرتضی مطهری ص ۲۳۵

مدیریتی که زمینه و رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر- صلی الله علیه و آله- و امامان معصوم-علیه السلام- و علوم فنون و تجارب بشری برای رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار عمل کند را مدیریت اسلامی گویند.^۱

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «والی مسلمین، همانند ستون وسط خیمه است که اولاً تمام بار سقف بر روی آن استوار است و ثانیاً مانند نقطه ی مرکزی دایره، شعاعش نسبت به همه ی جوانب یکسان است، به طوری که هرکس در هر زمان و از هرطرف که اراده کند به آن دسترسی دارد.»^۲

خصوصیات مدیریت از دیدگاه اسلام:

مدیریت وسیله‌ای برای رسیدن به امیال شخصی نیست، مدیر اسلامی نباید که مسند مدیریت را وسیله ی افتخار و نردبان نخوت و در جهت امیال شخصی و نفسانی خود قرار دهد، زیرا اسلام، چنین مدیرانی را مورد سرزنش قرار می دهد. چنانکه امام صادق-علیه السلام- می فرماید:

«آنکسی که بدنبال ریاست برود، هلاک می شود.»^۳

۲- مدیریت، امانت است نه طعمه. مدیر باید مدیریت را امانتی در دست خود ببیند و به شدت از آن مراقبت نماید چنانچه در متن نیز نسبت به این مسئله بحث خواهد شد.

۳- مدیریت تکلیف است نه حق شخصی. در نظام اسلامی، واگذاری و قبول مناصب اجتماعی، یک تکلیف می باشد نه حق. یعنی، مدیران پرورش یافته، خدمت در منصب مدیریت را انجام تکلیف شرعی می دانند و معتقدند که مدیریت، وظیفه است نه وسیله ی سودجویی.

۴- مدیریت خدمت است نه حکومت و در بینش اسلامی به این مسئله اهمیت زیادی داده شده است. و در این مکتب، مدیر، یک خادم است نه حاکم.

۵- مدیریت، هدایت کردن است نه قدرت نمائی.

قرآن کریم به نبی اکرم-صلی الله علیه و آله-توصیه می کند که مدیریت فرهنگی و اعتقادی و سیاسی، باید در فضای فرحزای هدایت به بار نشیند و هرگاه که این فضا به خفگان و اجبار آلوده شود هرگز موفقیت و رشد نخواهد بود.

«در دین اکراه و اجباری نیست، حقیقتاً راه رشد و گمراهی برای همگان روشن شده است.»^۴

چارچوب مدیریت:

۱. سازمان امور اداری و استخدامی، مدیریت اسلامی، ص ۱۲.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۶۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، کتاب ایمان و کفر، باب طلب الرئاسة.

۴. بقره ۲۵۶.

مدیریت، معیارهایی دارد که مدیر باید در محدوده‌ی آنها رفتار نماید و نمی‌تواند برای پیشبرد کارهایش از آن خارج شود:

۱- مدیریت و منزلت انسان در نظام اسلامی مدیر با توجه به منزلت‌های انسانی مدیریت می‌کند و هرگاه که روش‌ها و شیوه‌های آن، به شخصیت و حیثیت انسان لطمه وارد نماید، آن مدیریت اسلامی نیست زیرا انسان، خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است و قانون حفظ مقام انسان، حاکم بر روشها و اصول مدیریت می‌باشد.

۲- مدیریت و قانون خداوند در بینش اسلامی، مدیریت تا جایی نافذاست که با احکام الهی منافاتی نداشته باشد، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«اطاعت برای اجرای فرمان مخلوق نیست، در صورتی که معصیت خالق را موجب شود.»

۳- مدیریت و وجوب عدل و احسان یکی از اصولی که در نظام اسلامی حاکم بر کلیه ی مقررات و روابط اجتماعی است، وجوب عدل و احسان و دوری از گمراهی است.

فصل اول:

اصول اخلاق فردی مدیران در ارتباط با خداوند متعال